



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مربوط به خدمات میر محمد صادق،
مدرس، مدرس ہاشمی، نور صادق و
فاضل ہاری وابستہ بہ این سلسلہ جلیلہ

شنا نامہ

میر

سید جواد
میر محمد صادق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه من مربوط به سادات میر محمد صادقی، مدرس، مدرس هاشمی، نور صادقی و فامیل های وابسته به این سلسله جلیله

نویسنده:

سید جواد میر محمد صادقی

ناشر چاپی:

سلام سپاهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	شناسنامه من مربوط به سادات میرمحمدصادقی، مدرس، مدرس هاشمی، نورصادقی و فامیل های وابسته به این سلسله جلیله
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست
۱۶	مقدمه
۲۴	سرسلسله سادات میرمحمدصادقی و فرزندانش
۲۵	علت نام گذاری سادات میرمحمدصادقی به این نام
۲۷	شناسنامه مؤلف:
۲۸	و ابن سید احمد:
۲۹	ابن سید عبدالله:
۳۱	ابن سید جلیل و عالم کامل، آقا میر سید.
۳۲	مشخصات خود و پدران خود تا سیدمحمدباقر
۳۶	مرحوم آیت الله العظمی سید محمدباقر
۳۶	مرحوم آیت الله سید میر اسماعیل
۳۶	آیت الله میر ابوصالح
۳۷	مرحوم میر عبدالرزاق
۳۷	مرحوم سید محمد
۳۸	سید ابوالعالی
۳۸	سید محمد
۳۸	سید عبدالرضا
۳۸	سید ابوالفتح
۳۹	سید مهدی
۳۹	سید تاج الدین

٣٩	سید شمس الدین علی
٤٠	سید ناصرالدین احمد
٤٠	سید عالم محمد شمس الدین (یا شمس الدین محمد)
٤٠	سید شمس الدین علی
٤٠	سید عالم عمیدالدین
٤١	سید عالم و فاضل عظیم الشان جلال الدین ابونصر ابراهیم
٤١	سید کم نظیر عالم فاضل عبدالمطلب
٤١	سید جلیل شمس الدین علی
٤٢	سید جلیل و عالم بی بدیل تاج الدین حسن
٤٢	سید شمس الدین علی
٤٢	سید کریم عمیدالدین ابوجعفر
٤٣	ابونزار عدنان
٤٣	سید عبیداللہ الرابع
٤٣	سید والاتباء ابوعلی المختار
٤٣	سید ابوعلی مسلم الاحوال
٤٤	السید الجلیل ابوالفتح محمد
٤٥	سید عالم و زاهد کامل ابوالقاسم محمد الاشر
٤٥	عبیداللہ ثالث
٤٥	سید عظیم الشان زاهد و عابد ابوعلی عبیداللہ ثانی
٤٦	السید الزاهد العالم ابوالحسن علی الصالح
٤٧	سید عابد و زاهد کامل ابوعلی عبیداللہ
٤٨	سید العابد الزاهد مولانا ابی عبداللہ الحسین
٤٩	سید العابدین و سید الساجدین امام زین العابدین امام الرابع علی ابن الحسین (علیهما السلام)
٥١	امام الشہید حسین ابن علی (علیهما السلام) علیہما صلوات اللہ
٥٣	امام الاول امیرالمؤمنین حضرت علی ابن ابی طالب (عَلَيْهِ السَّلَام)
٥٥	فضائل السادات

۵۹ یادداشت

۶۲ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: میر محمدصادقی، سیدجواد، 1341-

عنوان و نام پدیدآور: شناسنامه من مربوط به سادات میر محمدصادقی، مدرس، مدرس هاشمی، نورصادقی و فامیل های وابسته به این سلسله جلیله / سیدجواد میر محمدصادقی.

مشخصات نشر: اصفهان: سلام سپاهان، 1399.

مشخصات ظاهری: 48ص؛ 19×5/9 س م.

شابک: 0-253702-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: سادات میر محمدصادقی (خاندان)-- نسب نامه

موضوع: Sadat Mir Mohammad sadeghi family-- Genealogy

رده بندی کنگره: BP53/7

رده بندی دیویی: 297/98

شماره کتابشناسی ملی: 7301429

وضعیت رکورد: فاپا

ص: 1

اشاره

شناسنامه من (مربوط به سادات میرمحمدصادقی، مدرس، مدرس هاشمی، نورصادقی و فامیل های وابسته به این سلسله جلیله)

تالیف: سید جواد میرمحمدصادقی

ص: 4

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۹
سرسلسله سادات میرمحمدصادقی و فرزندانش.....	۱۷
علت نام‌گذاری سادات میرمحمدصادقی به این نام.....	۱۸
شناسنامه مؤلف.....	۲۰
ابن سیداحمد.....	۲۱
ابن سیدعبدالله.....	۲۲
ابن سید جلیل و عالم کامل، آقامیرسید.....	۲۴
مشخصات خود و پدران خود تا سیدمحمدباقر.....	۲۵
مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدباقر.....	۲۶
مرحوم آیت‌الله سیدمیراسماعیل.....	۲۹
آیت‌الله میرابوصالح.....	۲۹
مرحوم میرعبدالرزاق.....	۳۰
مرحوم سیدمحمد.....	۳۰
سیدابوالمعالی.....	۳۱
سیدمحمد.....	۳۱
سیدعبدالرضا.....	۳۱
سیدابوالفتح.....	۳۱
سیدمهدی.....	۳۲
سیدتاج‌الدین.....	۳۲
سیدشمس‌الدین علی.....	۳۲
سیدناصرالدین احمد.....	۳۳
محمدشمس‌الدین (شمس‌الدین محمد).....	۳۳
سیدشمس‌الدین علی.....	۳۳
عمیدالدین.....	۳۳



٣٤	جلال الدين ابونصر ابراهيم
٣٤	عبدالمطلب
٣٤	سيدجليل شمس الدين على
٣٥	تاج الدين حسن
٣٥	سيدشمس الدين على
٣٥	سيدكريم عميدالدين ابوجعفر
٣٦	ابونزار عدنان
٣٦	سيدعبدالله الرابع
٣٦	ابوعلى المختار
٣٦	سيدابوعلى مسلم الاحوال
٣٧	السيد الجليل ابوالفتح محمد
٣٨	ابوالقاسم محمد الاشر
٣٨	عبيدالله ثالث
٣٨	ابوعلى عبيدالله ثانى
٣٩	ابوالحسن على الصالح
٤٠	ابوعلى عبيدالله
٤١	مولانا ابى عبدالله الحسين
	سيد العابدين و سيد الساجدين امام زين العابدين امام
٤٢	الرابع على بن الحسين
٤٤	امام الشهيد حسين بن على
٤٦	امام الاول اميرالمؤمنين حضرت على بن ابيطالب
٤٨	فضائل السادات



میر محمد صادقی ها را صفا باشد خصال
نیست هرگز بر دل پر مهرشان گرد ملال
چون که این سادات در سیر حقیقت کامل اند
بین اهل علم مشهورند از فضل و کمال
دست هر افتاده از پا را بگیرند و به شوق
حل مشکل می کنند از مردم آزرده حال
صاحب طبع بلندند و دل آینه وار
بافروغ عشق و ایمان می درخشند از جمال
بس جوان عالم و بامعرفت پرورده اند
چون به دست آورده اند از رنج خود رزق حلال
چون که هستند از دل و جان رهرو راه علی
لایق دیدار او هستند روز ارتحال
مرحوم حاج سید احمد میر محمد صادقی (1)

ص: 7

مقدمه

حمد، خداوند خالق بی همتا را که انسان را آفرید و با آفریده خود، قدرت لایزال خود را به جن و انس و ملک نمایش نشان داد. حمد، خدایی را که از آدم و حوا میلیاردها نفر نفس ناطقه، خلق کرد و به همه دستور اطاعت از او امرش را داد و به معرفتش آن ها را زینت داد. حمد و سپاس خدایی را که از میان این جمعیت کثیر، افرادی را که دارای عصمت، و پاکی، و توانایی های فردی، و صفات حمیده، و اخلاق کریمه و قادر در مبارزه با نفس بودند را به عنوان پیامبر و رسول و ولیّ اختیار نمود کرد. که آن ها را اشرف خلق بشر شوند قرار داد و مایه افتخار جن و انس و ملک و نیز واسطه فیض الهی به جهان هستی. گردند و سپاس خدای منان را که از میان رسولان و پیامبران، حضرت محمد مصطفی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، آخرین رسول و منجی بشریت را به عنوان کُل سرسبد عالم هستی برگزید و

اما بعد، چنین گوید عبد آبی، سید جواد ابن سید احمد، که افتخارات ظاهری مثل حسب و نسب، مال و ثروت، اولاد و نسل پاک، قدرت و علم همه خوب است، اما مشروط. مشروط به تقوای و بندگی خدا. اگر فرزند اول شخصیت عالم باشی و تمام دنیا و ثروتش از آن تو باشد و دارای تمام علوم و... باشی، اما سر به سجدهٔ حق نسایی و بندهٔ خدا و مطیع خالق نباشی، همه و همه و زر می شود و وبال و مایهٔ حسرت و اندوه فراوان که در حدیث است سیاه حبشی با عبادت از سید قریشی جلو است و به قول قرآن کریم: **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ**؛ (بهترین شما نزد خدا با تقویا ترین شما است.) و در حقیقت، شرافت و عزت بشر در گرو اطاعت او از خداوند است. پس به علم، و ثروت، و حسب، و نسب و... غیره وقتی می شود افتخار کرد که تسلیم خدا و مطیع اوامر رسول خدا باشی. بر حسب روایات اسلامی از سنی و شیعه از میان میلیاردها انسان، بهترین فرد، رسول خدا، حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، است و از بهترین

نسل ها نسلی است که از آن وجود عزیز باقی مانده است.

که برحسب روایات اسلامی از سنی و شیعه و اگر روایتی هم در این باره نبود، عقل سلیم حکم می کرد می کند نسل پیامبر از لحاظ ژن و خصوصیات از سایرین دیگران برترند. باشند و به قول عالم متقی، آیت الله ناصری، که از نجف رفته ها و تحصیل کرده های نجف است و اکنون مدرّس مدارس علمیه اصفهان است و عمری در راه بندگی خدا زحمت کشیده، دو نفر سید و غیر سید اگر به یک اندازه مثلاً ده سال، به یک جور گونه عبادت کنند، تفاوتشان از زمین تا آسمان است.

البته باید دانست اگر سیدی گناه کند، دو برابر برای او نوشته می شود: چون یکی برای اصل گناه و یکی برای آبرو بردن آبروی از اهل بیت(علیهم السلام) است که گناهی نابخشودنی است. و اگر ثواب نیز کند، برای او باز دو ثواب نوشته شود. باید دانست احترام به سادات، احترام به پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و فاطمه زهرا(علیها السلام) است. رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمودند خوبانشان را برای به خاطر خودشان و بدانشان را برای به خاطر من احترام کنید.

در به بحث بیان فضایل سادات وارد نمی شوم که اگر وارد به این بحث

فضائل سادات از بر اساس احادیث و حالات بزرگان وارد شوم، چند جلد کتاب خواهد شد. البته برای تبرک چند حدیث در آخر خواهم آورد تا مقام و منزلت اولاد رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بر برای همگان واضح تر گردد شود.

در بین اولاد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که همه محترم اند، بعضی حسب و نسب خود را نمی دانند و فقط اکتفاء به شهرت اکتفا کرده اند. و بعضی از آنها نیز چند نفری را به طور اجمال می شناسند. و بعضی هم که آباء خو در سعی کرده اند آباء خود را احصا کنند، پدرانشان که رحمت خدا بر همه آن ها باد، از لحاظ علمی و ریاستی و عزت اجتماعی بهره ای چندان نداشته اند و مطلبی از آن ها به در دست نیست: نه صاحب تألیف هستند و نه بنایی از آن ها به یادگار مانده است و نه... چیز دیگر.

اما در این میان، عده ای از سادات هستند که هم نسل خود را جیلاً بعد جیل و پدر به پدر می شناسند و هم همه آن هاه از نواغ و فرهیختگان و صاحبان تألیف اند و که نامشان در کتب رجال به حسن و خوبی ذکر گردیده شده است. که البته این دسته از سادات که اصطلاحاً به آن ها سادات اصیل و

صحيح النسب ياد گفته می شود، قليل اند: نه از لحاظ شماره افراد؛ بلکه از لحاظ سلسله سادات. یکی از این سلسله های جليله و عظيم الشان، سادات مير محمد صادقي هستند که به علت کثرت جمعيت و برای حفظ انساب و اجداد خود، انشعاباتى حاصل کرده اند؛ ولکن اما همه از یک نسل و یک ريشه و سلسله محسوب می شوند، مثل سادات مدرس، مدرس مطلق، نورهاشمی، مدرس هاشمی، و طيب. ...

این کوتاه کتاب را به عنوان شناسنامه من (هويت من) نام گذاری نمودم کردم تا خود را بهتر بشناسيم و قدر خود را بهتر بدانيم و از مسير رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و ائمه اطهار(عليهم السلام) و اجداد خود(رضی الله عنهم) دور نیفتيم و همه همت و سعی خود را بر آن داريم که در این راه بايستيم و مقاومت کنيم و زينت رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و ائمه هدی(عليهم السلام) عليهم صلوات الله باشیم. الان که نام آبیء خود را می شنويم و احوال آن ها را به طور خلاصه می خوانيم و به خود می باليم که پدرانمان همه اهل فضل عظيم بوده اند؛ بايد لذا همت بر آن داريم کنيم که ما هم برای آیندگان مایه افتخار از

می خواهیم باید بدانیم که هرچه هست و نیست، همه از تقوای و بندگی خدای عظیم و رحیم حاصل می شود و اگر علم، ریاست، و ثروت، و حسب و نسب عالی باشد، اما تقوای و ترس از خداوند مهربان و خالق یکتا در کار نباشد، به پول سیاهی نمی آرد. غرض اصلی حقیر در تألیف این کتاب همین این است که: آباء و اجدادمان را بهتر بشناسیم، و در راه تقوای و مبارزه با نفس اماره، و کسب علم و دانش، و نام نیک به دست آوردن و بندگی خدای خالق کردن از آن ها پیروی نموده کنیم، و با کسب معارف الهی بر عزت و شوکت این سلسله جلیله بیفزاییم اضافه کنیم و مایه افتخار شویم برای آینده گانمان. و همچنین، در روز جزا هم در پیشگاه حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و اجداد معصومان (علیهم السلام) و مادر حضرت زهرا (علیها السلام) (سلام الله علیهم اجمعین) خجول و شرمنده نشویم. لازم به ذکر این مطلب لازم است که چند صفحه در اول کتاب را سفید قرار داده ام تا هرکدام هریک از زن و مرد از سادات محترم، زن و مرد، نام خود و پدر و پدر بزرگ و جد خود را اضافه نمایند کنند و در

صورت تمایل، شرح حال خود و آباء کرامشان خودشان را با دست مبارک نوشته و تا نام و شرح حالشان باقی بماند. و کتاب را از جد اعلای سادات، یعنی سید محمدباقر، که همه با در آن شریک هستیم و نسل سادات میرمحمدصادقی و وابستگان، یعنی (مدرس و مدرس هاشمی و...) همه از آن آغاز می گردد می شود شروع می نمایم می کنم. یعنی سید محمدباقر و در آخر کتاب هم چند صفحه سفید است که هر شخص در صورت تمایل می تواند در آن، سفارشی یا توصیه ای برای عزیزانش داشته باشد ثبت نمایند. در پایان، لازم به ذکر این نکته لازم است که این کتاب، چون کتاب پژوهشی و تحقیقی نیست و از همین جهت بسیار مختصر به اختصار و به نحو موجز بوده است. و فقط مقصود از نوشتن این کتاب، آشنایی با آبا و اجداد کرام سادات است و اینکه خواهران و برادران از سادات، مقام و منزلت سلسله جلیله خود را بهتر بدانند بشناسند و در این مسیر که مسیر علم و تقوی است گام بردارند.

در تألیف این کتاب، (شناسنامه من)، از این کتاب های ارزشمند بهره برده ام:

* کتاب حضرت آیت الله العظمی حاج

* زیادی شده است آیت سید عبدالله متولد 1285 قمری است و بعد از 90 سال زندگی عابدانه و سراسر مجاهدت علمی در اصفهان درگذشت و در تکیه سادات میر محمدصادقی در تخت فولاد اصفهان دفن گردید و از نسب نامه آیت الله طیب⁽²⁾

(میر محمدصادقی) که خود از افتخارات سادات میر محمدصادقی و از این سلسله مبارکه می باشد است، در کتاب کلام الطیب بهره گرفته شده است آیت الله طیب صاحب تألیفات عدیده است از مهمترین آنها تفسیر اطیب البیان می باشد که در 14 مجلد به رشته تحریر درآمده است. تولد ایشان 1311 ق و وفات 1412 ق است و محل دفن ایشان در مسجد میر (کازرونی) واقع در خیابان میر اصفهان است و نیز از؛

* کتاب الذریعه⁽³⁾ مرحوم آقا بزرگاستفاده شده است؛⁽⁴⁾ الذریعه مرحوم آقا بزرگ در 26 جلد کتاب به زبان عربی نوشته شده است. کتاب الذریعه به صورت کرامت و اعجاز می ماند.

* خاطره مرحوم آیت الله سید مجتبی میر محمدصادقی می گفتند دنبال کتابی می گشتم از مرحوم جدم میرزای قمی یافت نمی شد به الذریعه آقا بزرگ مراجعه کردم نوشته بود این کتاب موجود است و فعلاً در کتابخانه مجتبی میر محمدصادقی است و این در حالی بود که من آقا بزرگ را ندیده بودم و ایشان هم مرا ندیده بود از همین رو تمام کتابخانه را زیر و رو نمودم و کتاب را یافتم. و این از کرامت است و لاغیر (اسم کتاب را مرحوم آقا مجتبی گفتند ولی حقیر فراموش نمودم) و از دو کتاب بسیار ارزشمند رجال و مشاهیر اصفهان و دانشمندان و بزرگان اصفهان استفاده گردید.

ص: 16

- 1- آیت الله سیدعبدالله، متولد 1285 قمری است و بعد از 90 سال زندگی عابدانه و سراسر مجاهدت علمی، در اصفهان درگذشت و در تکیه سادات میر محمدصادقی، در تخت فولاد اصفهان دفن شد.
- 2- آیت الله طیب صاحب تألیفات عدیده است. مهم ترین آن ها تفسیر اطیب البیان است که در چهارده جلد به رشته تحریر درآمده است. تولد ایشان 1311 ق و وفاتشان 1412 ق است. محل دفن ایشان در مسجد میر (کازرونی) واقع در خیابان میر اصفهان است.
- 3- الذریعه مرحوم آقا بزرگ در 26 جلد کتاب به زبان عربی نوشته شده است. کتاب الذریعه به صورت کرامت و اعجاز می ماند.
- 4- مرحوم آیت الله سید مجتبی میر محمدصادقی می گفتند دنبال کتابی [4] می گشتم از مرحوم جدم، میرزای قمی، که یافت نمی شد. به الذریعه آقا بزرگ مراجعه کردم، نوشته بود این کتاب موجود است و فعلاً در کتابخانه مجتبی میر محمدصادقی است. این در حالی بود که من آقا بزرگ را ندیده بودم و ایشان هم مرا ندیده بود. از همین رو، تمام کتابخانه را زیر و رو کردم و کتاب را یافتم. این از کرامت است و لاغیر.

سرسلسله سادات میر محمدصادقی و فرزندان

سرسلسله سادات میر محمدصادقی و فامیل های وابسته، مثل مدرس، مدرس هاشمی، مدرس مطلق، و طیب...، از سید جلیل القدر، آقا میر محمدباقر شروع می شود. یعنی همه سادات از آقا میر محمدباقر، اجدادشان یکسان و واحد هستند؛ اما تا آقا میر محمدباقر حداقل دست کم سه یا چهار نسل فاصله است که اجداد با هم متفاوت هستند. در واقع، همه عموزاده هستند؛ از این رو جهت چند صفحه اول کتاب را سفید رها نمودم کردم که تا هر فرد، نام خود و پدر و جد و جد بزرگ خود را تا آقا سید میر محمدباقر پیدا کند و در این شناسنامه با توضیح احوال آن ها ثبت و ضبط نمایند.

تبره: مرحوم آقا سید محمدباقر، این عالم عظیم الشأن و سید و الاتبار، دارای نه فرزند بوده است که همه از علمای برجسته صاحبان صاحب تألیف، و امامان جماعت، و زاهد و صاحب نفوذ در توده مردم بوده اند.

و هر یک کدام از سادات این سلسله جلیله به یکی از آن ها می رسد.

اسامی فرزندان آیت الله العظمی سید محمدباقر

به این قرار است:

- 1- سید فاضل و عالم کامل آقا میر محمدصادق؛ 2- عالم فاضل سید آقا میر علینقی؛ 3- عالم فاضل آقا سید شفیق؛ 4- عالم فاضل آقا سید میر محمد؛ 5- فاضل کامل و عالم برجسته آقا سید میر اسماعیل؛ 6- عالم فاضل آقا سید میر محمد مهدی؛ 7- عالم فاضل آقا میر محمد کاظم؛ 8- عالم فاضل آقا میر سید علی؛ 9- عالم فاضل آقا سید میر محمدرضا.

علت نام گذاری سادات میر محمدصادقی به این نام

تذکر اول: علت نام گذاری سادات میر محمدصادقی به این نام چه بوده؟ در جواب باید گفت گرچه همه اولاد آقا میر محمدباقر عالم و صاحب نفوذ بوده اند و از مکننت مالی خوبی برخوردار بوده اند، اما در میان این اولاد نه گانه، آقا سید محمدصادق از شهرت بیشتری برخوردار شد. که وی امام جماعت مسجد شاه بوده و از نفوذ در میان درباریان هم نفوذ بهره مند گردیده بود داشت و محل حل مشکلات عامه مردم شده بود از شهرت بیشتری برخوردار گردید. لذا این فامیل به سادات میر محمدصادقی شهرت یافت. مرحوم میر محمد صادق آن قدر نفوذ داشته است که حکومت بدون اجازه ایشان و بدون مشورت با ایشان کاری را انجام نمی داده است. به علت شهرت آقا سید محمدصادق این فامیل به سادات میر محمدصادقی شهرت یافت.

ص: 18

تذکر دوم: پدر سید والاتبار، آقا سید محمدباقر، آقا سید میر اسماعیل است که شرح حال ایشان را خواهم داد گفت. وی دارای سه فرزند بوده است به نام های سید میر محمدباقر و سید میر محمد رفیع و آقا سید میر محمد تقی. چون دایره سادات به کوری چشم دشمنان حضرت زهرا(علیها السلام) دایره سادات بسیار طویل گسترده است و خداوند بر کثرت تعداد آن ها را زیاده تر نماید بیفزاید، فقط از اولاد سید محمدباقر سخن به میان آمده می گویم و از دیگران اجتناب کردیم می کنم تا موجز بودن کتاب حفظ گردد شود و فقط به بیان آباء خود، جیلاً بعد جیل اکتفا می کنیم.

من، سید جواد، متولد 1341 شمسی، پس از کسب مدرک دیپلم تجربی وارد سپاه پاسداران شدم. ه و سپس در دوران جنگ تحمیلی، با اراده و اختیار خود به جبهه وارد شدم رفتم و در سال 1362، در جبهه مریوان، عملیات والفجر 4 مجروح شدم. و در همان محل مجروحیت نذر کردم اگر اسیر نشوم، به سربازی امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حوزه علمیه رفته و خدمتگذار خدمتگذار دین و شریعت باشم. لذا از این رو، در سال 1363، وارد حوزه علمیه اصفهان شدم از محضر علمای طراز اول بهره بردم: همچون آیت الله العظمی حاج شیخ حسین مظاهری، و آیت الله العظمی حاج محمدتقی مجلسی، و آیت الله محمدعلی صادقی، و آیت الله حاج آقا مجتبی میرمحمدصادقی و آیت الله حاج شیخ محمد کلباسی. این جانب استفاده نمودم و دارای دو فرزند ذکور پسر و یک دختر هستم: آقا سید محمدامین که فعلاً به تجارت مشغول است و آقا سید علی که امید است وارد حوزه علمیه شود و یک دختر به نام زهرا السادات می باشم.

حاج سید احمد آقا از شعراء و صاحبان ذوق شعری بوده که از ایشان دو دیوان به جا مانده است. یکی در فکاهی و یکی در مدح و منقبت اهل بیت(علیهم السلام) و اشعاری به مناسبت های مختلف گوناگون به صورت رباعی و قصیده و غزل موجود است که هنوز موفق به چاپ آن موفق نشده ام. ایشان لیسانس فلسفه و علوم تربیتی داشتند و بیش از 32 سال در فرهنگ (آموزش و پرورش) به عنوان مدیر دبستان و دبیرستان خدمت نمود کردند. و همچنین، قهرمان اول کشتی و قهرمان ورزش سنگ زورخانه ای در سال 1323 و 1324 در اصفهان گرید بودند. و در همان سال یعنی 1323 به مسابقات کشتی تهران رفته و با اینکه تصور می شد اول خواهد شد؛ اما به علتی مقام سوم کشتی ایران را برای خود کسب نمود کرد و مقام اول سنگ در ایران را به خود اختصاص داد. وی دارای چند مدال و حکم از تربیت بدنی است. و هم چنین حق زنگ زورخانه را با حکم رسمی از اداره تربیت بدنی تهران دریافت نمود کرد. در اخلاق و مردم داری و امانت داری زبان زد بوده و

درب خانه ایشان به روی ارباب حاجت همیشه باز. و کمتر کسی است که والد حقیر را دیده باشد و از سجایای اخلاقی و مردانگی و گذشت ایشان سخن به میان نیاورد.

در سال 1292 متولد و در سال 1389 رحلت نمود کرد و در باغ رضوان، قطعه 14 دفن گردید شد. و از ایشان سه پسر به نام نورالله، و جواد و شهریار و دو دختر، منیژه بانو و مه رویه، به یادگار مانده است.

ابن سید عبدالله:

این مرد شریف عمر خود را به تجارت سپری نموده کرد و از معتمدین و اعیان اصفهان به شمار می رفته است. چندین حجره در بازار داشته که مهم ترین آن ها در دالان مدرسه صدر بوده. ایشان و سال 1317 رحلت نمود کرد و در تکیه سادات میرمحمدصادقی واقع در تخت فولاد اصفهان دفن گردید شد. از ایشان سه پسر به نام احمد، و محمود و حسین و دو دختر، قمرآغا و زینت، به یادگار ماند.

سید فاضل و عالم کامل، سید علی محمد، از فضاییء بوده که علاوه بر کسب معارف دینی، به با تجارت و زراعت نیز آشنا بوده و اهل زهد و تقوا

بود. از آقا سید علی محمد چهار پسر به نام سید عبداللّه، و سید هادی، و سید محمدرضا و سید ابوالفضل و دو دختر به نام شمسی جان بیگم و صاحب جان بیگم باقی ماند. این چهار پسر همه از اعیان و تجار بودند و در بین این چهار برادر، سید محمدرضا اهل علم و بسیار خوش پوش بوده و عصاها و لباس هایش منحصر به فرد بود. وی کتابخانه ای از کتاب های خطی و بزرگ داشته که چون عقب و اولاد نداشته و عمر شریفش کوتاه بوده و سه برادرش اهل علم نبودند، با کمال تأسف از بین رفته. برادر دیگر، مرحوم سید هادی آن قدر مقام و منزلت داشته که صارمه الدوله هر چند وقت یک بار، به دیدن ایشان می آمد. (1) (نقل از بزرگان و پیرمردان فامیل) و شرح حال آقا سید عبداللّه را قبلاً داده امگفتم. محل دفن هر سه برادر نکیه سادات میرمحمدصادقی است و محل دفن آقا سید علی محمد، وادی السلام نجف است.

ص: 23

ایشان بسیار زاهد بوده و مدرّس علوم حوزوی بوداست. محل دفنشان نجف اشرف است.

سید عالی مقام فاضل و عالم زاهد و متقی، آیت الله سید علی نقی از علمای شهر و زاهد و مورد احترام محترم نزد عامه مردم و محل رجوع ارباب حاجات بوده. احتمالاً امام جماعت مسجد محله نو بود. وی از حیث مالی، میان اولاد سید محمدباقر، سر سلسله سادات، مقام دوم را داشته و اولادشان و اعقابشان غالباً اهل علم یا از تجار بزرگ بوده و هستند. از جمله اعقاب ایشان که اهل علم هستند، عبارت اند از: آیت الله سید محمدباقر عالم با تقوای که امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را زیارت نمود کرد، و آیت الله سید عبدالحسین طیب صاحب تفسیر، است و آیت الله سید مجتبی، و آیت الله سید علی، و آقا میرزا، و حجت الاسلام سید منیرالدین، و سید رسول و حقیر کمترین سید جواد. تمامی (مؤلف) اعقاب ایشان همه از اهل علم و مورد لطف قاطبه روحانیون و علماء می باشند هستند.

از اینجا به بعد، همه سادات دارای یک شجره واحد می شوند.

مرحوم آیت الله العظمی سید محمدباقر

این عالم جلیل القدر مجتهد مسلم بوده و در زمان خود، در استجابت دعا منحصر به فرد در زمان خود منحصر به فرد استیود. همچنین، وی امام جماعت مسجد عباسی (شاه) و ملجأ فقرا بوده و محل تدریس ایشان مدرسه میرزا مهدی، واقع در خیابان طیب، بوده و این مدرسه برای تدریس ایشان و به امر ایشان احداث گردید. اولادشان از علما و زهاد زمان و صاحبان مکتب بوده اند. تألیفاتی نیز از ایشان ذکر شده است.

مرحوم آیت الله سید میر اسماعیل

این عالم عظیم الشأن علاوه بر اینکه در مسجد سلطانی (شاه) اقامه نماز جماعت داشته اند می کرد و از مدرسین و صاحبان تألیف کتاب نیز هستند بود، و علاوه بر تدریس از وعاظ مشهور شهر اصفهان نیز بوده اند. اندکمداد می شد.

آیت الله میر ابوصالح

این سید عالم و فاضل امام جماعت مسجد عباسی (شاه) و از زهاد به نام و صاحب کرامات بود. و مرحوم حاجی کلباسی ایشان را زیارت نموده و شجره نامه ایشان را امضا کرده و به عظمت شأن و

صحت نسب این سید جلیل صحه گذاشت. ه و علی بنا بر قول مرحوم حاجی کلباسی، مرحوم لنبانی که ایشان هم از سادات و علماء بود، ه شجره نامۀ میر ابوصالح را دیده و تأیید نموده استکرد. مرحوم حاجی کلباسی تا نسل پنجم سید ابوصالح را نیز درک کرده، یعنی مرحوم آیت الله العظمی سید حسن مدرس، مؤسس مسجد جامع رحیم خان(1) را نیز درک کرده بود. (مسجد را سید بنا کرده ولی عمر کفاف نداد و رحیم خان به اتمام رسانید). مسجد در خیابان طالقانی اصفهان مشهور و عظیم است.

مرحوم میر عبدالرزاق

وی مشهور در کرامات مشهور و مستجاب الدعوه بود و ه از سبزوار به اصفهان در سال 1132 هجری قمری، از سبزوار به اصفهان آمده. محل دفنش تخت فولاد اصفهان است. لازم به ذکر گفتنی است طایفه بنی مختار که سلسله عظیمی از سادات هستند نیز از عموزادگان سید والانسب، عبدالرزاق، هستند.

مرحوم سید محمد

ایشان از علماء بوده و مشهور به زهد و ورع بود و دارای مقبره ای در سبزوار است.

ص: 30

1- . (مسجد را سید بنا کرد؛ ه ولی عمرش کفاف نداد و رحیم خان آن را به اتمام رسانید). این مسجد در خیابان طالقانی اصفهان، مشهور و عظیم است.

سید ابوالمعالی

او از علمای عراق بوده که به سبزوار هجرت می کند کرد و تولیت بنی اعمام خود را عهده دار می شود شد.

سید محمد

وی از علماء و ادیبان در دوران اول صفویه است. ابتدا در سبزوار بوده می زیست و بعداً سپس به عراق هجرت می کند کرد و مورد احترام نزد بزرگان بغداد قرار می گیرد محترم بود. در زمانی که شاه اسماعیل قصد کرد تصرف بغداد را می کند تصرف کند، والی بغداد او را حبس و به سیاه چال می اندازد انداخت. ولی بعد از پیروزی شاه اسماعیل، وی مورد احترام خاص شاه قرار می گیرد گرفت و تولیت نجف را به حسب وراثت به ایشان منتقل می کنند شد.

سید عبدالرضا

از علما و بزرگان نجف بوده در مدتی از زمان که آب در نجف نایاب می شود؛ لذا سید بزرگوار به سبزوار هجرت می کند و در سبزوار به تدریس و وعظ مشغول می شود.

سید ابوالفتح

سید محمد از سبزوار به نجف آمده و منصب

ص: 31

نقابت نجف و کوفه را عهده دار می شود شد. وی از کثرت عقل و درایت زبان زد بوده است و سادات کمونه از اولاد ایشان هستند.

سید مهدی

سید مهدی از علما بوده. وی در زمان شاه سلطان حسین میرزا، پسر شاهرخ، به بلخ می رود رفت و نقابت (1) و مسئولیت تعمیرات آستانه ای را که معروف است به قبر امیرالمؤمنین معروف است را به عهده می گیرد گرفت. و پس از مدتی، به هند سفر کرده و سلسله ای از سادات در هند، از اولاد ایشان هستند.

سید تاج الدین

ایشان در سبزواری مدتی منصب پدر را بر عهده داشت؛ ولی گوشه نشینی اختیار نمود کرد و سپس به عتبات رفته و همان جا هم دفن گردید شد. اولادش مورد احترام نزد دولتیان محترم بودند اند.

سید شمس الدین علی

وی در سنساله 1080، از ارکان دولت شاهرخ بوده و از قدرتمندان روزگار بود و که ریاست عامه

ص: 32

داشت، به خصوصاً در سبزوار. و بنا بر قولی، وی سیمت سپهسالاری داشته است.

سید ناصرالدین احمد

وی صاحب زهد و ورع و تقوی بود. در سبزوار، امام زاده احمد، همین بزرگوار است که کتاب شجره الاولیاء را تألیف نیز داشته اند (شجره الاولیاء) کرده است.

سید عالم محمد شمس الدین (یا شمس الدین محمد)

این سید عالم از علمای سبزوار و مورد احترام محترم نزد مردم آن دیار بود. و معروف است علمای زیادی از ایشان اجازه دارند.

سید شمس الدین علی

وی از نجف به سبزوار هجرت کرد و مورد توجه عامه مردم به ایشان توجه قرار گرفت کردند و از اعیان علما محسوب می شد.

سید عالم عمیدالدین

این سید عالم از علمای نجف بوده. در زمان ایشان حوزه در حله بوده که به همت این عالم، از حله به نجف حوزه انتقال پیدا می کند یافت. و در جلد 25 بحار از آن این شخصیت سخن به میان آمده است.

سید عالم و فاضل عظیم الشان جلال الدین ابونصر ابراهیم

این سید عالم و فاضل عظیم الشان تولد در 681 متولد و وفات در 754 فوت کرد. محل دفن نجف است. وی از علما و زاهدان روزگار بود و صاحب کتاب نهج الشیعه فی احکام الشریعه می باشد است. و ایشان منصب نقابت داشته یعنی نقیب در عراق و خراسان بوده استرا داشت.

سید کم نظیر عالم فاضل عبدالمطلب

این سید کم نظیر و عالم فاضل، از فقهای مشهور و خواهرزاده علامه حلی و داماد او است بود. وی از مشایخ شهید اول است. ایشان و برادرشان هر دو از فحول و اعظم علما بوده اند و صاحب کرامت بودند بوده است.

سید جلیل شمس الدین علی

وی از علما بوده و در نجف در منصب نقابت در زهد و تقوی عمر را سپری نمود کرد. ابتدا در حله تحصیل می کرده و سپس به نجف مشرف شد. و احتمالاً خواهر علامه حلی را به همسری اختیار نموده است کرده بود.

سید جلیل و عالم بی بدیل تاج الدین حسن

این سید جلیل و عالم بی بدیل، عالم و با اقتدار بوده و به علت مجاهدت های زیاد برای اثبات حقیقت شیعه، بعد از وفات سلطان محمد خدابنده به شهادت رسید.

سید شمس الدین علی

وی منصب نقابت تمام عراق تا خراسان را دارا بوده و او نقیب النقباء بود. است و او کسی است بود که در زمان هلاکوخان توسط خواجه نصیرالدین طوسی امان برای کربلا و نجف و حله امان گرفت و حکومت این مراکز مناطق تا مدتی در دست این عالم فاضل و مجاهد با ارزش بوده است.

سید کریم عمیدالدین ابوجعفر

نقابت نجف را داشته و در کمال زهد و ورع بود. صاحب تالیف فضائل زیارت امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) است و در اواخر دولت عباسی به علت سعایت و معاندت بودن افرادی، این منصب از او گرفته و به یک فردی سنی تحویل داده شد. اما چون منظور نخبه بوده؟

دولت عباسی در اواخرش کار بود، سید مذکور با جمع کردن اولاد خود و تعلیم آن ها در باب

خدمت در آستانه حضرت و تعلیم اموری کارهایی که مربوط به تقابیت مربوط استیود، مشغول به خدمت مشغول شده. وی صاحب کرامات بوده، من از جمله خبر به از پایان یافتن دولت عباسی خبر داد.

ابونزار عدنان

اونقیب نجف اشرف بود و مصلح بین طوایف بود. و قصه هایی از ایشان نقل شده است در التیام سازش دادن بین شیعه و سنی نقل شده است.

سید عبیدالله الرابع

وی مردی عظیم الشان و از اعظم عراق بود که ه و در منصب نقابت نجف و امارت حج مشغول به خدمت مشغول بوده.

سید والاتبار ابوعلی المختار

این سید والاتبار نقیب مشهد مقدس امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و و جلالت قدرش مشهور بین همگان مشهور بوده است. اماره ه حج نیز به ایشان واگذار شده بود و کثیرالاولاد بوده است.

سید ابوعلی مسلم الاحوال

وی زاهد و عالم بوده و عمر طولانی نداشت. ه و برای حفظ حرم مطهر و جواهرات موجود در

حرم، جنگ های زیادی کرده و احتمالاً در زمان القادر بالله عباسی به مقام شهادت رسیده باشد. و از وقایع زمان او قصه مرهه ابن قیس است که با کمال بی ادبی وارد حرم امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) شد و به اعجاز حضرت، دو انگشت از ضریح مبارک خارج و کمر آن ملعون را به دو نیم کرد.

السید الجلیل ابوالفتح محمد

ایشان نقیب کوفه بوده و در کتب رجال، زیاد از ایشان زیاد مدح شده است؛ به گونه ای طوری که در مجالس المؤمنین ایشان را رئیس شیعه عراق دانسته اند. و در زمان عضدالدوله دیلمی مرقد مطهر تعمیرات اساسی شد و زینت های فراوانی در آن قرار گرفت. عضد الدوله از علم الهدی سید مرتضی، درخواست عالمی زاهد جهت برای تولیت و نقابت حرم مطهر درخواست را خواستار شد کرد. که در جواب، سید مرتضی سید ابوالفتح محمد را که از شاگردانش سید مرتضی بوده، به وی معرفی کرد معین نمود و از صحت نسب و علم و عمل او نزد عضدالدوله سخن گفت. و به همین جهت علت سید ابوالفتح محمد صاحب عنوان و شخصیت مضاعف گردید و لذا فرمانش در دربار خلیفه

عباسی لازم الاجرا شد.

سید عالم و زاهد کامل ابوالقاسم محمد الاشر

این سید عالم و زاهد کامل از راویان احادیث است و او را [تقه \(1\)](#) می دانند

عبیدالله ثالث

این سید عالم و عظیم الشأن او صاحب اولاد کثیره بود؛ به گونه ای که اولاد ذکورش پسرانش به بیست نفری رسیده می رسیدند. و صاحب جود و کرم زیاده بوده است و بنا بر قولی، امام هادی (عَلَيْهِ السَّلَام) را درک کرده بود که در این صورت باید عمرش قریب به صد سال باشد زیسته باشد.

وی صاحب تمام کوفه بوده اند بود؛ به گونه ای طوری که مردم به عنوان ضرب المثل می گفتند: «السماء و الارض لبني عبیدالله»؛ یعنی آسمان و زمین از آن فرزندان عبیدالله است. سید مذکور از اعیان شیعه و از علما بوده و از همه مهم تر، با وجود ریاست، و قدرت، و مال و علم، بسیار زاهد بوده است.

سید عظیم الشأن زاهد و عابد ابوعلی عبیدالله ثانی

این سید عظیم الشأن زاهد و عابد، بسیار بلندمرتبه و صاحب اولاد کثیر بوده در طول

ص: 38

عمر شریف خود، مشغول جمع احادیث و ترویج مذهب جعفری بود و آنچه او را از دیگران متمایز ساخت، ه شهادت دادن امام رضا(عَلَيْهِ السَّلَام) است بر اینکه او از اهل بهشت بودن اوست؛ چنانچه چنان که برای پدرش هم این قصه رخ داده است . (حدیث سلیمان) بعد از شهادت امام رضا(عَلَيْهِ السَّلَام) به کربلا و نجف رفته و صاحب اولاد کثیر است.

السید الزاهد العالم ابوالحسن علی الصالح

این سید زاهد عالم ایشان معروف هستند به زوج صالح معروف است. علت اشتها این شهرت این بود که چون قصد ازدواج نمود کرد با دختر عمویش، ام سلمه، دختر عبدالله ابن حسین ازدواج کند، با حضرت موسی ابن جعفر(علیهما السلام) مشورت کرد. حضرت فرمودند: «الزوج صالح»؛ برای همین مشهور شد به صالح مشهور شد. او مستجاب الدعوه بوده و از خاصان امام هفتم و امام هشتم(علیهما السلام) بوده.

به این حدیث توجه کنید که بشارتی بزرگ است برای همه سادات این فامیل جلیل القدر بشارتی بزرگ است:.

زمانی حضرت رضا(عَلَيْهِ السَّلَام) بیمار شدند و سید عظیم الشان، ابوالحسن، به دیدار امام شتافت. طوی نکشید سید ابوالحسن بیمار گشت شد و امام

رضا(عَلَيْهِ السَّلَامُ) به عبادت او آمدرفتند. وقتی امام از خانه او خارج شدند، همسر (زوجه) او، ام سلمه، جای نشستن امام را بوسه می زد و هرکجا را حضرت قدم گذاشته بودند، را می بوسید و می بوینید. این خبر را به حضرت رضا(عَلَيْهِ السَّلَامُ) دادند و حالات این بانو را گفتند. حضرت رضا(عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمودند: «عبداللّه و زوجه همسر او و فرزندان از اهل بهشت هستند.»

حدیث سلیمان چیه؟

فقال رضا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يا سليمان: «اعلم انّ عبداللّه و زوجته و ولده من اهل الجنة. ه يا سليمان انّ اولا على و فاطمه اذا كانوا موالين لنا اهل البيت ليسوا كسائر الناس.»⁽¹⁾

نقله عن الكشي سليمان راوی حدیث است.

سید عابد و زاهد کامل ابوعلی عبداللّه

این سید عابد و زاهد کامل معروف به اعرج از اصحاب امام صادق(عَلَيْهِ السَّلَامُ) معروف است. وی بسیار اهل جود و سخا بود. ه درآمدش او سالی هشتاد 80 هزار اشرافی بوده که همه را خرج سادات و علویان می کرد نمود. سفاح و ابومسلم او را بسیار اکرام

ص: 40

می کردند و در میان اهل خراسان، به غایت مورد تکریم بود می شد. او شب را به عبادت و روز را به روزه داری سپری می نموده می کرد و به علت مبارزه در اثبات عقاید حقه، مدتی زیادی در حبس و زندان به سر برده است. سرانجام به جهت مبارزه در عقاید حقه در قریه ای به نام ذی امان، ظاهراً در خراسان، دفن گردیده است.

سید العابد الزاهد مولانا ابی عبدالله الحسین

این سید عابد زاهد که مشهور و معروف است به حسین اصغر مشهور و معروف است. ایشان پدرشان، امام سجاد(عَلَيْهِ السَّلَامُ) را، در سه سالگی از دست دادند به علت زهری که ولید به حضرت امام سجاد(عَلَيْهِ السَّلَامُ) داد، در سه سالگی از دست دادند. 64 سال عمر شریفش 64 سال بوده است. از پدر و برادر بزرگوارشان امام باقر(عَلَيْهِ السَّلَامُ) و از عمه عزیزشان، فاطمه بنت الحسین، روایاتی نقل کرده که اهل رجال، روایات را صحیح می دانند اهل رجال و در توثیق او همگان سخن گفته اند. امام باقر(عَلَيْهِ السَّلَامُ) بر بدن او نماز خواندند. است وی در بقیع، کنار امام سجاد(عَلَيْهِ السَّلَامُ) دفن است.

ایشان را اولاد کثیر زیادی است دارند که از همه مهم تر، سادات اعرجی هستند که بزرگ ترین سلسله سادات اند، هستند یعنی سادات میر محمدصادقی و

فامیل های وابسته که در هند، و مازندران، و خراسان و مکه منتشر هستند شده اند. همه آن ها از نسل عبیدالله بن حسین الاصغر، معروف به اعرج می باشند هستند. فرزندان دیگر عبارت اند از: عبیدالله، و علی، و سلیمان و حسن که سادات مرعشی از این دسته اند هستند: حسن ابن حسین الاصغر

سید العابدین و سید الساجدین امام زین العابدین امام الرابع علی ابن الحسین (علیهما السلام)

عمر شریفشان 57 سال یا 59 سال عمر شریفشان بوده است. مادرشان شهربانو دختر یزدگرد است و سی و چهار 34 سال، مدت امامت آن امام همام استی بود. مادرشان شهربانو، دختر یزدگرد است. محل دفن آن بزرگوار مدینه، قبرستان بقیع است. ایشان را پانزده 15 پسر و چهار 4 دختر بوده استداشتند.

یکی از خصوصیات امام زین العابدین(عَلَيْهِ السَّلَامُ) که همه ما باید سرمشق بگیریم، عفو و گذشت است.

روزی هشام ابن اسماعیل که حاکم مدینه شده بود، خبر عزل خود را از طرف عبدالملک مروان لعنه الله علیه و که بسیار با اهل بیت پیامبر(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بسیار بد عمل رفتار می کرد، . خبر عزل خود را از طرف عبدالملک شنید. عبدالملک دستور داده بود تا او را در محل عبور مردم

اطلاعات پاورقی:

قرار دهند و

ص: 42

ندا کنند هرکس شکایتی دارد بیاید و حقش را بگیرد. او می گفت از هیچ کس ترس ندارم، جز مگر علی ابن الحسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) که بسیار به او بدی کرده ام. امام بر او گذشت. هشام سلام کرد. امام فرمود: «کسی متعرض او نشود.» آنگاه جلو آمدند و فرمودند: «از من و کسان من خاطر جمع باش. کسی به تو تعرض نخواهد کرد. و فرمودند اگر به مال احتیاج داری، بگو ما به تو عطا می کنیم.» در این هنگام هشام فریاد زد و گفت: اللَّهُ اعْلَمَ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ (1).

از خصوصیات دیگر امام بزرگوار که درس است برای همگان، اشک چشم است و نوحه و گریه برای امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) است که مدت حداقل دست کم بیست سال گریه داشت بر عزای امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) گریستند؛ به گونه ای طوری که بعضی از روی دل سوزی می گفتند دیگر بس است این همه فغان و گریه. امام در جواب آن ها می دادند می فرمودند: «یعقوب 12 دوازده پسر داشت. یکی از آن ها مفقود شد و با علم نبوت می دانست زنده است؛ اما آن قدر گریه کرد تا که نابینا شد. من

ص: 43

چگونه گریه نکنم که دیدم پدرم و برادرم و عموهام و 17 هفده نفر از خانواده ام را به خون کشیدند.»

از امام سجاد(عَلَيْهِ السَّلَامُ) ادعیه ای بسیار عالی به یادگار مانده است که به نام صحیفه سجادیه. چاپ گردیده است و این کتاب باعث تألیف قلوب اهل سنت به با شیعه شد. و حتی بعد از ارسال این کتاب به مصر، عظمت امامان شیعه و معارف بلند تشیع برای آن ها مکشوف گردید. الحمدلله.

امام الشہید حسین ابن علی (علیہما السلام) علیہما صلوات اللہ.

مادرشان فاطمہ زہرا(علیہا السلام) است. تولد سوم شعبان متولد، شدند و مدت عمر شریفشان 57 سال بود. محل دفنشان کربلا، و اولاد حضرت شش نفر بوده اند. از خصوصیات ائمه(علیہم السلام)، به خصوصاً حضرت سیدالشہدا رسیدگی به فقرا و هم دردی با آن ها بوده است. عبدالرحمن خزاعی می گوید روز عاشورا بدن برهنه امام را مشاهده کردم. جای شمشیر و نیزه را می شناختم؛ اما زخمی قدیمی بر پشت امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

بود. از زین العابدین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) راجع به زخم سووال کردم. فرمود: «هذا مما كان يحمل الجراب على ظهره الى منازل الابرار والتميامى و المساكين.» (1)

یعنی این زخم بر اثر حمل کیسه های غذا برای بیوه زنان و یتیمان و مساکین بود. ما نیز باید درس بگیریم ان شاء الله و این گونه باشیم.

اطلاعات پاورقی:

از امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) علاوه بر خطبه ها و احادیث، دعای عرفه نیز بیه یادگار مانده است که علما بر این دعا شرح های زیادی از علما نوشته اند شده است.

از جمله احادیث آن امام شیعه این حدیث است از جدشان رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درباره محبت به اهل بیت (علیهم السلام) است:.

قال الحسين ابن علي، قال رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «الزمو مودتنا اهل البيت فانه من لقي الله و هو يُجِئنا دَخَلَ الجنة بشفاعتنا وَاَلذِي نَفْسِي بِيده لا يَنْتَفِعُ عبد بعمله الا بمعرفتنا.» (2)

هرکس که بمیرد و حال آنکه دوستار ما باشد، با شفاعت ما وارد بهشت خواهد شد. توسط شفاعت ما و به خدا قسم، هیچ فردی از محمل خود سود نمی برد،

ص: 45

1- . منبع؟

2- . نام و فامیل نویسنده ، نام کتاب، ج ، ص.

امام الاول امیر المؤمنین حضرت علی ابن ابی طالب (علیه السلام)

مادرشان فاطمه بنت اسد ابن هاشم ابن عبد مناف است. این زن از هشت سالگی به صورت شبانه روزی، مادرانه برای به حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خدمت کرد. و موقعی که از دنیا رفت، حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود به حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمودند او مادر من هم بود و بر بدن او نماز خواندند و عمامه و لباس خود را کفن آن زن پارسا قرار دادند. ایشان در بقیع دفن شده اند.

ولادت امام علی ابن ابی طالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در مکه، در خانه خدا است در سی ام 30 عام الفیل، در سی 30 سالگی رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، در خانه خدا بود. محل دفن ایشان در نجف اشرف استو، مدت عمر شریف آن حضرت، 63 سال است. اولاد حضرت را به بیست و هفت 27 نفر شماره کرده اند.

از مفردات فضایل آن حضرت اینکه اهل جود و کرم بود، نه بلکه معدن جود و کرم و سخا را معدن بود. وقتی به بازار رفت و لباس خرید، بهترین را به غلامش قنبر داد و لباس ارزان را خود پوشید. سپس فرمود قنبر جوان است و آرزوی جوانی

دارد.

د. در اخلاق بی نظیر بود. روزی در راه مصاحب یک غیر مسلمانی شد. وقتی به دو راهی رسیدند، باید هر کدام، جداگانه باید مسیری را جداگانه بپیمایند می پیمودند. امام دنبال فرد غیر مسلمان حرکت کردند. فرد غیر مسلمان گفت: «راه شما غیر از این راه است.» امام فرمودند: «می دانم مسیر من طرف دیگر است؛ اما کمال رفاقت در حین جدا شدن مشایعت رفیق اوست و این دستور پیامبر اسلام است.» («هذا من تمام النصيحة أن يُشيع الرجل صاحبه.») از این اخلاق غیر مسلمان با دیدن این رفتار، همراه حضرت علی شده و به کوفه آمد و تازه فهمید او امیرالمؤمنین، علی (عَلَيْهِ السَّلَام) است. لذا از این رو مسلمان شد. (1)

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) از دنیا به کمترین چیز قناعت داشت قانع بود.

نقل شده است:

وقتی امام خلیفه شده و ریاست داشت، در کوفه بر او وارد شدم. دیدم جامه کهنه ای در بر دارد و از

ص: 47

1- . نک: ص 140 سیدعلی اکبر قریشی، خاندان وحی، ص 140؛ کلینی، - کافی، جلد 2، ص.

سرما می لرزد. عرض کردم: «خدا از بیت المال برای شما حتی سهمی قائل شده است. چرا این چنین با نفس خود رفتار می کنی؟» فرمود: «به خدا قسم، من از اموال شما چیزی را ناقص نمی کنم. این لباس من همان است که از مدینه آورده ام.»

از مولایمان علی (عَلَيْهِ السَّلَام) نهج البلاغه و کلمات زیادی به یادگار مانده است.

فضائل السادات

حدیث اول:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ):

«إِنِّي شَافِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ وَ لَوْ جَاءُوا بِذُنُوبٍ أَهْلِ الدُّنْيَا...» (1)

(فرمود من به درستی که شفیع می شوم در روز قیامت شفیع از برای چهار گروه از مردم می شوم، اگرچه با گناهان جمیع اهل دنیا آمده باشند: (2))

(توضیح کسی که محبت اهل بیت را دارد نمی تواند گناهان عدیده داشته باشد این از باب عظمت ثواب خدمت به سادات است)

1- مردی که ذریه مرا یاری کند؛ 2- مردی که از مال خود به ذریه من ببخشد در وقت تنگ دستی ببخشد؛ 3- مردی که با زبان و دل خود ذریه مرا دوست بداند؛ 4- کسی که سعی در

ص: 48

1- نک: کلینی، فضائل السادات، کافی، ج 6، ص؛ ، فضائل السادات، ج، ص.

2- (توضیح کسی که محبت اهل بیت(علیهم السلام) را دارد، نمی تواند گناهان عدیده داشته باشد. این از باب عظمت ثواب خدمت به سادات است) .

برآورده ساختن حاجت های ذریه من، کند هرگاه از دیار خود دور شوند یا تنها و غریب باشند، سعی کند.)

در کتاب عیون اخبار الرضا(عَلَيْهِ السَّلَامُ) آمده است:

از قول حضرت قال الرضا(عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: «النَّظَرُ إِلَى ذُرِّيَّتِنَا عِبَادَةٌ»، فقيل له: «يا بن رسول الله،! النَّظَرُ إِلَى الْأَيْمَةِ مِنْكُمْ عِبَادَةٌ أَمْ النَّظَرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)؟» فقال: «بَلِ النَّظَرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عِبَادَةٌ. مَا لَمْ يُفَارِقُوا مِنْهَا جَهْ وَ لَمْ يَتَلَوَّتُوا بِالْمَعَاصِي.» (1)

حضرت فرمودند: «نگاه به اولاد پیامبر عبادت است.» پس از ایشان سؤال شد: سؤال کرد فردی «ای فرزند رسول خدا، نگاه کردن یعنی به ائمه از شما عبادت است یا نگاه یا به همه اولاد پیامبر(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مقصود است؟» حضرت رضا(عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمودند: «نگاه به همه اولاد پیامبر(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عبادت است مادامی که در راه پیامبر باشند و از جاده شرع خارج نشوند نشده و آمیخته به فسق آمیخته نگردند نشوند.»

ص: 49

1- ، فضائل السادات، ج 1، ص 197؛، شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(عَلَيْهِ السَّلَامُ)، ج، ص؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج، ص.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند:

حَرَّمَ اللهُ الْجَنَّةَ عَلَى ظَالِمِ أَهْلِ بَيْتِي وَ قَاتِلِيهِمْ وَ شَانِيهِمْ وَ الْمُعِينِ عَلَيْهِمْ... (1)

خدا بهشت را بر ستمگران بر اهل بیت من و کشتندگان ایشان و ناسزاگویان بر آن ها و همکاران ایشان بر این کار حرام کرد.

«مَنْ أَرَادَ التَّوَصُّلَ إِلَيَّ وَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِنْدِي يَدٌ أَشْفَعُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَلْيَصِلْ مَعِ ذَرِيَّتِي وَ يَدْخُلِ السَّرُورَ عَلَيْهِمْ.» (2)

(اگر کسی اراده کرده است به من نزدیک و متوسل شود و بخواهد شفاعت او را در قیامت بکنم، پس با ذریه من ارتباط و مواصلت داشته باشد و در دل آن ها سرور و خوش حالی وارد کند.)

همان مدرک، ص 408، امالی صدوق

5- در روایت است از رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که فرمودند:

«مَنْ أَكَلَ الطَّعَامَ مَعَ أَوْلَادِي، حَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ.» (3)

ص: 50

1- بحار الانوار ج 27 ص 225

2- . همان مدرک، ص 408؛

3- . همان؟ مدرک، ص 409؛

(هرکس با اولاد من غذا بخورد، جسدش بر آتش حرام است.)⁽¹⁾

مؤلف: احترام به آنها اطعام آنها اجابت دعوت آنها همه را شامل می شود.

همان مدرک، ص 409، جامع الاخبار

کلام را با سوره مبارکه کوثر به اتمام می رسانم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْعَمْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْعَمْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

و آخر دعوانا الحمد لله رب العالمين.

سید جواد الحسینی المیر محمدصادقی

ص: 51

1- . این روایت احترام به سادات و اطعام آن ها و اجابت دعوت آن ها را شامل می شود.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

